

مشایخی، عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف در گفت‌وگو با «ایران»

راهی که جنگ پیش پای اقتصاد گذاشت

سیاوش رضایی
خبرنگار

۴۱ سال از آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران می‌گذرد، اما همچنان آثار این جنگ بر اقتصاد ایران نمایان است. در کنار خسارت هنگفت برای کشورمان، جنگ سمت و سوی اقتصاد ایران را نیز تغییر داد. بیشترین تأثیر جنگ را می‌توان بر توقف نخستین برنامه توسعه کشور که قرار بود در سال ۱۳۶۱ اجرایی شود و به ناچار به دلیل محدودیت‌های حاصل از جنگ در منابع کشور به سال ۱۳۶۸ موکول شد، مشاهده کرد.

برای بررسی آثار جنگ تحمیلی بر اقتصاد و برنامه‌های توسعه کشور به مصاحبه با علینقی مشایخی، عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و بنیانگذار این دانشکده نشستیم. مشایخی که در سال‌های نخستین جنگ یعنی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ به عنوان مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت فعالیت داشت، اعتقاد دارد، علاوه بر توقف توسعه در سال‌های جنگ، پس از اتمام آن نیز، تخصیص حدود نیمی از درآمدهای دولت برای افزایش سطح رفاه، باعث بروز کسری بودجه و یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در اقتصاد ایران شد و دخالت‌های دولت در اقتصاد و قیمت‌گذاری‌ها را تشدید کرد. گفت‌وگوی «ایران» با این اقتصاددان را در ادامه می‌خوانید.

■ نخستین تأثیر هشت سال جنگ تحمیلی بر اقتصاد ایران چه بود؟

جنگ آثار زیادی در اقتصاد و توسعه کشور داشت. وقتی جنگ شروع شد، منابع در دست دولت باید صرف آن می‌شد. از یک طرف درآمدهای دولت به دلیل محدودیت در صادرات نفت در اثر حملات به تأسیسات نفتی ایران کاهش یافته بود و از سوی دیگر، جنگ هزینه‌های زیادی به دولت تحمیل کرده بود. بدین ترتیب در حالی که درآمدها محدود شده بود، هزینه‌های دولت شامل هزینه‌های جاری و همچنین جنگ افزایش یافته بود.

■ این تازاری بین درآمد و هزینه چه تأثیری در برنامه‌های توسعه‌ای داشت؟

برنامه‌ریزی دارای دو بخش است. یکی تخصیص اعتبار برای توسعه و ایجاد و ترمیم زیرساخت‌های اقتصادی و دوم فراهم کردن بسترهای حضور بیشتر بخش غیردولتی در اقتصاد. اما وقتی جنگ آغاز شد، به دلیل اینکه هیچ منابع مازادی برای توسعه و اجرای طرح‌های مختلف وجود نداشت، در سال ۱۳۶۱ که برنامه اول توسعه تدوین شد، مجلس وقت تصمیم گرفت که اجرای این برنامه مسکوت بماند و در عمل نخستین برنامه توسعه کشور از سال ۱۳۶۸ آغاز شد. در واقع برنامه‌های توسعه در ابتدا باید به این پرسش مهم پاسخ داد که منابع دولت قرار است صرف چه امور و چه بخش‌هایی شود و اولویت‌بندی آنها چگونه است. اما وقتی که منابعی از اساس وجود نداشت، این پرسش نیز اهمیت خود را از دست داد. در این شرایط هیچ اطمینانی در خصوص تحقق درآمدهای نفتی وجود نداشت و قرار شد، نگاه و برنامه پنج ساله به تخصیص منابع مسکوت بماند و به بعد از جنگ موکول شود. بدین ترتیب نخستین تأثیری که جنگ تحمیلی بر برنامه‌های توسعه کشور داشت، توقف آن بود.

■ بخش دوم برنامه‌های توسعه یعنی فعال شدن بخش خصوصی هم که محقق نشد؟

در واقع دومین اثر جنگ بر اقتصاد ایران و توسعه، محدود شدن حضور بخش خصوصی در اقتصاد و توسعه بود. به دلیل عدم اطمینانی که در دوران جنگ وجود داشت، رغبت و امکان حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای از بین رفت. پس از عدم اطمینان‌هایی که در دوره انقلاب به دلیل مصادره اموال برای بخش خصوصی ایجاد شده بود، شروع جنگ نیز باعث شد این شرایط ادامه یابد.

■ بدین ترتیب، به دلیل نبود برنامه توسعه، هیچ زیرساخت جدیدی به کشور اضافه نشد؟

نهایتاً هیچ زیرساخت تازه‌ای اجرا نشد، بلکه زیرساخت‌های موجود نیز تخریب و فرسوده شد. در شرایطی که به‌طور معمول باید هر ساله براساس نیازهای کشور، زیرساخت‌های جدیدی ساخته می‌شد، جنگ باعث شد تا بخشی از زیرساخت‌های کشور در تمام بخش‌ها اعم از مخابرات، حمل و نقل، نفت و... تخریب شود. علاوه بر این، زیرساخت‌های موجود نیز به‌واسطه عدم تخصیص منابع برای توسعه‌ی و ترمیم فرسوده شد و محدودیت‌های زیادی به روند توسعه اقتصاد ایران وارد کرد. بر این اساس، پس از جنگ باید برای بازسازی زیرساخت‌های تخریب شده هزینه‌های کلانی صرف می‌شد، خسارت‌هایی که آسیب زیادی به فرایند توسعه ایران وارد کرد.

■ پس از پایان جنگ که درآمدهای کشور افزایش یافت، اولویت اصلی دولت چه بود؟

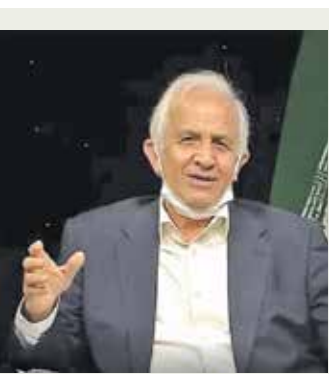
در دوران جنگ به دلیل مشکلات ایجاد شده، تنگنای جدی برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نیز به وجود آمد. در این دوران بسیاری از کالاها به صورت کوپنی توزیع می‌شد و مردم شرایط سختی را تحمل کردند. بر همین اساس پس از اتمام جنگ، برای جبران سختی‌ها و تحمیلی که مردم از خود نشان داده بودند، اعتبارات قابل توجهی برای افزایش سطح رفاه خانوارها و تأمین نیاز آنها به کالا تخصیص داده شد. بر این اساس با افزایش درآمدهای نفتی پس از جنگ، بخش عمده این درآمدها صرف افزایش رفاه خانوارها شد. در واقع سریع‌تر و بیشتر از آنچه نیاز بود برای امر این اختلاس یافت و به جای اینکه بخشی

از این منابع صرف توسعه کشور شود، صرف گشایش و تأمین امکانات رفاهی شد. این اقدام موجب شد تا به رغم افزایش درآمدهای نفتی پس از جنگ، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به اندازه کافی صورت نگیرد و در نهایت بدهی‌های کشور افزایش قابل توجهی پیدا کرد. تا جایی که دولت قادر نبود تعهدات ارزی خود در قبال بدهی‌ها را پرداخت کند و در دولت اول هاشمی رفسنجانی با استمهال تعهدات ارزی موافقت شد.

■ این تعهدات ارزی چه نتیجه‌ای داشت؟
افزایش بدهی‌ها و استعمال آن باعث شد تا بخشی از درآمدهای نفتی کشور صرف بازپرداخت تعهدات ارزی کشور شود، به‌طوری که حدود نیمی از درآمدهای کشور صرف پرداخت تعهدات چهار سال بعد از جنگ شد. در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ اعتبار قابل توجهی برای دولت باقی نماند که به کسری بودجه دولت منجر شد. به دنبال کسری بودجه شدیدی که ایجاد شد، با رشد شدید نرخ تورم در دولت دوم هاشمی رفسنجانی مواجه شدیم و همین تورم بالا، یکی دیگر از تأثیرات جنگ را بر توسعه ایران گذاشت و آن عقب‌نشینی دولت از طرح تعدیل اقتصادی بود. در حالی که دولت وقت به‌درستی به دنبال اجرای تعدیل اقتصادی و آزادسازی بود، آثار جنگ بر هزینه‌ها و کسری بودجه و سپس تورم او را وادار کرد تا عقب‌نشینی کند. بنابراین جنگ هم در سال‌هایی که در جریان بود و هم تا سال‌ها بعد روی توسعه اقتصاد ایران تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشت.

■ برای تأمین کالا، واردات هم افزایش یافت؟

بله، برای افزایش سطح رفاه جامعه و دسترسی خانوارها به کالا، شاهد افزایش واردات بودیم، وارداتی که به ارز نیاز داشت. از سوی دیگر پس از پایان جنگ



■ به دلیل اینکه هیچ منابع مازادی برای توسعه و اجرای طرح‌های مختلف وجود نداشت، در سال ۱۳۶۱ که برنامه اول توسعه تدوین شد، مجلس وقت تصمیم گرفت که اجرای این برنامه مسکوت بماند و در عمل نخستین برنامه توسعه کشور از سال ۱۳۶۸ آغاز شد

■ در برنامه‌های توسعه بعدی، بازسازی جنگ ادامه یافت ولی مهمترین آن فرهنگی بود که ناشی از افزایش دخالت‌های دولت در اقتصاد باقی ماند. این نگاه به اقتصاد که به افزایش دخالت‌های دولت منگی بود به برنامه‌های بعدی توسعه نیز منتقل و به یک فرهنگ تبدیل شد

بازسازی کشور نیز به منابع ارزی نیاز داشت و همان‌گونه که اشاره شد در بخش اول یعنی بالا بردن سطح رفاه جامعه گشاده‌دستی زیادی صورت گرفت.

در این دوران بسیاری از کالاها به صورت یوناس وارد کشور شد تا بعداً پول آن پرداخت شود. درآمدهای نفتی باید صرف پرداخت یوناس‌ها می‌شد. همانند خانواده‌ای که قرض می‌گیرد و بازپرداخت این قرض باعث کاهش درآمدهای آن می‌شود.

■ شبایکی از آثار جنگ بر توسعه کشور را توقف سیاست تعدیل اقتصادی معرفی کردید، این اتفاق چگونه بر توسعه ایران تأثیر گذاشت؟

زمانی که به دلیل کسری بودجه و تورم آزادسازی اقتصاد متوقف شد، قیمت‌گذاری دستوری کالا و افزایش دخالت‌های دولت در اقتصاد جای آن را گرفت. دولت برای اینکه تورم را مهار کند به سمت قیمت‌گذاری رفت که برخلاف آزادسازی اقتصادی و حضور بخش خصوصی بود.

■ دامنه آثار جنگ بر برنامه‌های توسعه تا چه زمانی ادامه یافت؟

در برنامه‌های توسعه بعدی، بازسازی جنگ ادامه یافت ولی مهم‌تر از آن فرهنگی بود که ناشی از افزایش دخالت‌های دولت در اقتصاد باقی ماند. این نگاه به اقتصاد که به افزایش دخالت‌های دولت منگی بود به برنامه‌های بعدی توسعه نیز منتقل و به یک فرهنگ تبدیل شد که بویژه در پیاده‌سازی تکلیف برنامه‌های پنج‌ساله بسیار پررنگ بود. از برنامه‌های توسعه اقدامات خوبی در راستای تنظیم سیاست‌های اقتصادی انجام شد. اینکه چگونه می‌توان فعالان اقتصادی را وارد بازی کرد و بخش خصوصی را فعال‌تر کرد. بدین ترتیب، از برنامه سوم این سیاست‌ها پررنگ شد و آن بخش از برنامه که تنها به دولت اختصاص ندارد، تقویت شد. این سیاست‌ها ما را از دوران جنگ دور می‌کرد. البته همان‌گونه که اشاره شد، فرهنگ دولتی بودن در اقتصاد وجود داشت و هنوز هم از بین نرفته است.

عطیه لیاف
خبرنگار

این بار راوی روزهای دشوار اما پر از شادت ۸ سال جنگ تحمیلی، «علی اکبر وحیدی آل آقا» است. او یکی از مدیران نفتی در زمان دفاع مقدس بوده که از مدیریت ستاد مهار و کنترل چاه‌های میدان‌های نفتی نوروز، رسالت و رشادت، مدیریت مهندسی شرکت نفت فلات قاره ایران، مدیر مهندسی نفت شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) تا کارشناسی در دبیرخانه اوپک را در کارنامه خود دارد و اکنون استاد دانشگاه امیرکبیر است. در این گفت‌وگو «آل آقا» از روزهای می‌گوید که با وجود حملات پی در پی بیگانگان، مهندسان و کارگران صنعت نفت چه در بالايشگاه‌ها و چه در میادین نفتی حاضر به ترک میدان نبودند و حتی بدون هیچ تجربه‌ای دست به اقداماتی می‌زدند که در دنیای نظیر بود از جمله کنترل ۲۳ چاه نفتی که تنها شرکت‌های آمریکایی و کانادایی از عهده آن برمی‌آمدند.

■ پررنگ‌ترین خاطره‌ای که از زمان جنگ ایران و عراق دارید، چیست؟

از اینکه بحث وارد فضای غیرنفتی شود، بیزار هستم؛ اما واقعیت این است که در زمان جنگ تحمیلی، کشور ضربه بزرگی خورد. جنگ بود و این جنگ ناجوانمردانه بود. طرف مقابل با امکانات متعدد از کشورهای مختلف مقابل ما بود. در این جریان ما با هواپیماهای میگ روسی، موشک‌های اکسوست، هواپیما میرزا آقا فرانسوی و هواپیما اف۱۰۰ آمریکایی و جنگ افزارها و حمایت‌های دیگر کشورها از جمله انگلیس مواجه بودیم.

عراق بواسطه این حمایت‌ها خیلی از مناطق ایران را بمباران کرد. شرایط بسیار سختی در مناطق نفتی ایران حاکم بود و همکاران ما در بدترین شرایط از نظر فیزیکی کار می‌کردند، البته از نظر روحی مهندسان و کارگران و تکنیسین‌ها چون احساس می‌کردند که وطنشان در خطر است، با دل و جان کار می‌کردند و تهدیدهای جانی برای آنها خط قرمز محسوب نمی‌شد. اهل بزرگنمایی و اغراق نیستم. رشادت‌ها و جسارت‌های مهندسان نفت اما واقعیت آن روزهای صنعت نفت است.

در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ عراقی‌ها حمله به چاه‌های نفتی ایران را شروع کردند که توان مهار این چاه‌ها در آن زمان در اختیار شرکت‌ها و کشورهای محدودی از جمله آمریکا و کانادا بود، برای مثال، عراقی‌ها چاه شماره ۳ نوروز را بمباران کرده بودند؛ سکو در عمق دریا افتاده و شرایط بسیار سختی بود. با یک شرکت آمریکایی برای کمک در زمینه مهار ورود نفت به دریا تماس گرفته شد. قبول کردند که ببینند. مسأله قیمت پیشنهادی که مهندسان ایرانی با یک صدم آن کار را انجام دادند، هم نبود؛ اما آنها می‌گفتند که باید اعلام آتش بس شود. پذیرفتیم این مسأله به معنی از دست دادن بخشی از خاک ایران و استقبال از اشغال‌گراها بود. به همین خاطر پذیرفته‌شد.

عده‌ای از همکاران بالايشگاه تهران شروع به مهر چاه شماره ۳ نوروز کردند و ستاد نوروز تشکیل شد، اما هم‌زمان با این موضوع عراقی‌ها تعداد بیشتری از چاه‌های میدان نوروز را به آتش کشیدند و نفت خام در شعله این آتش می‌سوخت.

تعدادی سکو هم در معرض خطر بود. پس از آن آمریکایی‌ها به سکوهای ارسال و رشادت حمله کردند و مدتی بعد در سال ۱۳۶۷ نیز سکوی نصر و نصرت و سلمان بمباران شد.

پس از حملات به سکوهای نوروز، هیأتی درست شد که مسئول آن بودم؛ البته «بیستون را عشق کند و شهر خط قره‌راه برد». کار همه همکاران بود. آن زمان ما ۲۳ حلقه چاه را مدیریت کردیم. در دنیا سابقه نداشت، آن هم برای کنترل چاه‌ها در دریا. این حرکت مهندسان ایرانی موجب شد وقتی چاه‌های کویت در حمله عراق آتش گرفت، از کشورهای مختلف برای کنترل چاه‌های بی‌تاب‌هایی به این منطقه رفتند و فعالیت کردند؛ اما آنها اغلب برای چاه‌ها در خشکی آمده بودند. چاه‌هایی که ما در آنجا انجام می‌دادیم، در فراساحل بود. برخی معتقدند که کار نفتی در دریا سخت‌تر از خشکی است. اینها کارهای کوچکی نبود.

■ جعفر طول کشید تا مهندسان ایرانی بتوانند یک چاه را خاموش یا کنترل کنند؟

این کار برای چاه اول ۷۰ روز طول کشید. تجربه در مورد این کار صفر بود. اما چاه آخر از هفت روزه کنترل کردیم. این منحنی یادگیری ما برای کنترل چاه‌ها، به تنهایی یک بحث جذاب است. آن زمان مدیر شرکت نفت فلات قاره ایران آقای محمد آقایی تبریزی بودند کار بسیار مهم و فنی برای مهار هزاران بشکه نفت کشور بود؛ اعضای گروه غواص که به اعماق دریا برای انجام عملیات می‌رفتند، حدود ۷۰ روز روی یک کشتی کوچک در میان آب‌ها گذرانند، چرا که عراقی‌ها کشتی‌های بزرگ را روی رادار سریع شناسایی و به آن حمله می‌کردند. براساس استانداردهای بین‌المللی غواصانی که در اعماق چند هزار متری اقدام به فعالیت می‌کنند باید مقدار مشخصی شیر بنوشند؛ اما اینها قبول نمی‌کردند. می‌گفتند که جنگ است و باید شیر اول به دست بچهار برسد. اینها بخشی از روحیه‌ای است که در آن زمان بر ملت ایران حاکم بود.

■ چاه‌هایی که خاموش می‌شدند، دوباره به تولید برمی‌گشتند؟ وضعیت توسعه میادین چگونه بود؟

ما با ضربات به لطف خدا و تلاش مهندسان و کارگران در کوتاه مدت مقابله می‌کردیم. چاه که آتش می‌گیرد، خاموش کردن آن یک کار مهم است اما بعد از اینکه خاموش شد، احتمال بازگشت چاه به مدار تولید کم است، لذا باید چاه‌های جدید را به مدار آورد. در این شرایط جنگی، داشتن دکل در دریا در حالی که دشمن دائم حمله هوایی می‌کرد، ریسک بزرگی بود. لذا فقط در یک میدان دکل داشتیم و توسعه ادامه داشت. آن زمان تنها در یک میدان مشترک با کشور یک قدر تمند ما دکل داشتیم و چون می‌دانستند که اگر به مواضع ما حمله شود، آن طرف نیز ططمه می‌بیند، طرح توسعه ادامه

خاطرات مدیر سابق شرکت مهندسی و توسعه نفت و استاد دانشگاه امیرکبیر از روزهای جنگی نفت

کنترل آتش ۲۳ چاه نفتی، بدون آتش بس



نزدیکی از محل زندگی ما بود و فرودگاه را زدند. آبادان و خرمشهر خیلی سریع اشغال شد؛ با حملاتی که شد امکان سوخت‌رسانی به آقاجاری نبود اما همکارانی از بالايشگاه آبادان آمدند و خانواده‌ها را به مناطق دیگر از جمله دوگنبدان و شیراز بردند، اما دوباره به آبادان برگشتند.

آنفدر اعتقادات قوی بود که ترک میدان چه در بالايشگاه‌ها و چه در میادین نفتی نداشتیم. حتی در ستاد هم به‌صورت روتینی روی سرمان کلاه ایمنی می‌گذاشتیم و در اداره‌ها و کارها را دنبال می‌کردیم. در حالی که کمتر روزی بود که به آنجا حمله نشود. همه معتقد بودند که شهر همان وطن است و آن را نباید خالی و تسلیم بیگانه کرد. بااین روحیه مهندسان صنعت نفت را در سخت‌ترین شرایط سر پا نگه داشتند؛ در حالی که شاید اگر این روحیه و اعتقادات نبود، مشکلات بی‌شماری رخ می‌داد.

■ جنگ که تمام شد چه اتفاقاتی افتاد تا دوباره این صنعت به وضعیت جاری برگردد؟

کار را ما در دوران جنگ هم متوقف نکرده بودیم که بخواهیم با اتمام جنگ، دوباره شروع کنیم. این خیلی مهم است، برای مثال در طول جنگ میدان نصرت را در دریا شروع کردیم و توسعه دادیم، البته تا عملیات محدود اما این طور نبود که کار متوقف شود. در دوران جنگ و چند سال بعد از آن، شرکت خارجی در ایران نبود و تماسی هم گرفته نشد.

اگر از نظر جذب سرمایه برای بهبود وضعیت بخواهیم به مسأله نگاه کنیم، آن زمان شرکت‌های خارجی حاضر نبودند که به ایران بازگردند و ما نیز کارهایی داشتیم که باید انجام می‌شد؛ مثلاً مسأله مین رویی و برقراری مجدد امنیت. در این خصوص مسئولیت خطرات حاصله با ما بوده و است. عراقی‌ها که در حال عقب‌نشینی بودند، تمام مسیر را وحب به‌روپ مین‌گذاری می‌کردند. در نتیجه این جنگ، جاده‌ها و پل‌ها خراب شده بود و نمی‌شد همان روز پس از پایان جنگ شروع به جذب سرمایه کرد.

۷۰ سال بعد که به‌طور دقیق بررسی‌ها انجام شده بود، دو عتنامه مناقصه توسعه نفتی در هلند انجام شد، البته تا آن زمان برای شروع کار مذاکراتی میان شرکت نفت و برخی از شرکت‌ها صورت گرفته بود. بعد از آن سال‌ها مأمور در اوپک بودم و این موارد را از دور می‌شنیدم. سال ۱۳۷۴ بود. مذاکرات و قرارداد با شرکت «کوناکو» آمریکا برای پارس جنوبی بسته شده بود که با مخالفت صاحب سهام آمریکایی و عقب‌نشینی آنها، شرکت توتال فرانسه جایگزین این شرکت در طرح توسعه پارس جنوبی شد، اما آن‌طور که به خاطر می‌آورم در سال ۱۳۷۸ مجدداً مناقصات آغاز شد.

■ به‌عنوان سؤال آخر! آیا این طور می‌توان گفت که وقتی مادر جنگ توانستیم، الان در تحریم هم می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم؟

تجربه بسیار موفقی بود، اگر موفق نبود که در کویت از ما دعوت نمی‌کردند. اما همان‌طور که اشاره کردم ما نمی‌توانیم همه کارها را خودمان انجام دهیم. از سوی دیگر منطقه و امکان پذیر نیست که دولت هزینه‌های توسعه را بپردازد و بازگشت وجه پروژه باید از محل درآمد باشد. فراتر از این مسائل، تکنولوژی و مدیریت است که البته معتقدم بزرگ‌ترین ضعف ما همان مدیریت است. لذا ما تجربه موفقی در زمان جنگ داشتیم اما قابل تعمیم به نیاز امروز نیست.

نمی‌توانستیم ۱۵ میدان را هم‌زمان توسعه دهیم اما اینگونه هم نبود که اصلاً توانیم کاری انجام دهیم. ■ اشاره کردید که توسعه پارس جنوبی به‌خاطر نبود امنیت عقب افتاد، اما برخی از کارشناسان نبود سرمایه و تکنولوژی را دلیل اصلی می‌دانند. جعفر این عقبتواندگی در توسعه به‌خاطر نبود امنیت بود؟

آن زمان یک دکل دریایی نزدیک ۴۰ میلیون دلار هزینه خرید داشت. مسئول فنی و مالی خرید دکل شهید رجایی آن زمان من بودم. آن را سال ۱۳۶۲ از هیتاچی ژاپن ۳۸ میلیون دلار خریدیم، اما کجامی‌توانستیم با آن کار کنیم؟ تنها در مکان‌هایی که از حمله هوایی عراق به دور باشد. نیروی هوایی با توجه به سوخت و مسافتی که هواپیما می‌تواند برای بمباران برود، مکان‌های امن‌تر را مشخص



می‌کند، برای همین است که می‌گویم حمله به سکوهای رسالت و رشادت کار عراق نبود. لذا مشکل ما این نبود که مخارج را نداشته باشیم، ما اگر دکل به میدان پارس جنوبی می‌بردیم احتمال افزایش خسارت‌های جنگی وجود داشت. این ترس نیست، واقعیت جنگ است.

■ باوجود این بمباران‌های خلیج فارس، بویژه در پایانه‌ها، صادرات نفت چگونه انجام می‌شد؟

در خیلی از نقاط خلیج فارس هیچ شرکت بیمه‌ای حاضر به بیمه محموله‌های نفت ایران نبود. خیلی از نقاط پایانه خا‌رک را زده بودند و در پایانه‌ها امنیت نبود. مجبور بودیم سوخت را کشتی به کشتی منتقل کنیم و کشتی‌هایی که می‌خواستند به پایانه‌ها بیایند، آنفدر بیمه گران‌هزینه بالایا را اعلام می‌کردند که صرفه نداشت. تولید، صادرات و درآمدهای نفتی ایران کم شده بود و قبول این هزینه بیمه نیز آن را کمتر می‌کرد. لذا دلیل اصلی توقف برخی از طرح‌های توسعه مسائل مالی نبود، اما از نظر تأمین منابع مالی تحت فشار بودیم. در این باره، شاید اگر می‌خواستیم چاه‌ها را برای مهار نشست نفت و آتش به شرکت‌های دیگر مثل RED ADAIR آمریکا بدهیم، باید چندین میلیون دلار می‌پرداختیم اما برای آن ۱۳ چاه ما حتی ۱ میلیون دلار هم هزینه نکردیم.

■ شما به‌ماجرای هزینه‌بیمه و ترک شرکت‌های خارجی به‌خاطر نبود امنیت اشاره کردید. آیا مهندسان و کارگران ایرانی به‌دنبال مرخصی گرفتن یا ترک کار نبودند؟

ای‌ل شاعر نیستم اما تاجایی که به‌خاطر می‌آورم هیچ کس به‌دنبال مرخصی نبود. مهندسان صنعت نفت به‌خاطر اعتقادات مذهبی و میهنی کنار هم بودند و هیچ کس مقابل دیگری نبود. دست در دست هم کار می‌کردند و حتی تصور می‌کنم که عده‌ای حلال هم حاضر نیستند نامشان برده شود. به‌خاطر می‌آورم که وقتی ۳۱ شهروز حمله شد، مدیر منطقه آقاجاری بودم. حمله در فاصله